



تأثیر بیماری های صعب العلاج بر روابط زوجین در حقوق جمهوری اسلامی ایران

محسن مرتضوی نیا^۱، دکتر مجید معصومی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان

Mohsen.mortezavi@yahoo.com

۲- استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد بافت

m.masumi2012@yahoo.com

خلاصه

بحث از بیماری های صعب العلاج و تأثیرات آن بر روابط زوجین در جایی مطرح می شود که یکی از زوجین مبتلا به یکی از بیماری های صعب العلاج است حال باید ببینیم این بیماری ها چه تأثیری بر حقوق و تکالیف زوجین دارد.

مهم ترین تأثیری که بیماری های صعب العلاج بر روابط زوجین دارد فسخ نکاح به علت بیماری است. در فقه امامیه و به تبع آن در حقوق ما وجود برخی بیماری ها در زن یا مرد سبب ایجاد حق فسخ برای طرف مقابل می شود با توجه به اینکه امروزه بیماری هایی به مراتب خطرناک تر و صعب العلاج تر نسبت به بیماری هایی که در قانون آمده وجود دارد از قبیل ایدز، هپاتیت و... و از طرفی بسیاری از بیماری هایی که در قانون آمده قابلیت درمان پیدا کرده اند حال با توجه به مبانی فسخ نکاح به خصوص قاعده لاضرر به این نتیجه می رسیم که بیماری های جدید هم اگر در حدی باشند که سبب ضرر و زیان طرف مقابل شوند حق فسخ برای او ایجاد می شود. و چون ایجاد حق فسخ به خاطر ضرر و زیان طرف است، اگر بیماری قابلیت درمان پیدا کند حق فسخ هم از بین می رود.

دومین اثری که بیماری های صعب العلاج بر روابط زوجین دارد طلاق است. در حقوق ما حق طلاق در دستان مرد است و مرد می تواند به راحتی از زنی که مبتلا به بیماری است رهایی یابد اما بحث ما در جایی است که مرد بیمار است و بیماری از بیماری هایی که سبب حق فسخ می شود نیست، حال چه راهی برای رهایی زن وجود دارد؟ یکی از قواعدی که در فقه ما مطرح شده قاعده لاجرح است با توجه به این قاعده اگر زن در شرایطی قرار گیرد که ادامه زندگی با شوهر مریض سبب عسر و حرج وی گردد می تواند از دادگاه تقاضای طلاق نماید.

اثر دیگری که بیماری های صعب العلاج بر روابط زوجین دارد این است که اگر زن بیمار باشد و مرد حاضر به زندگی با او باشد آیا هزینه درمان زن جزء نفقه است؟ با توجه به اینکه اکثر فقها هزینه درمان را جزء نفقه نمی دانند. ولی با توجه به مبانی و دلایلی که می آوریم هزینه درمان زن جزء نفقه و بر عهده شوهر است.

واژگان کلیدی: بیماری های صعب العلاج، فسخ نکاح، طلاق، نفقه.

۱. مقدمه

مقاله حاضر تحت عنوان تأثیر بیماری های صعب العلاج بر نفقه در حقوق جمهوری اسلامی ایران است و در همین راستا با توجه به اینکه خانواده بنیادی ترین و مهم ترین نهاد اجتماعی در تمام جوامع است؛ و تمام دولت ها حکومت ها سعی بر ایجاد زمینه مساعد برای تشکیل آن و همچنین حفظ آن و جلوگیری از انحلال آن دارند. دراصل ده قانون اساسی هم بر این امر تأکید شده است: «از آنجا که خانواده واحد بنیادین جامعه اسلامی است همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی ها باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.»^۱ و ما قصد داریم در این مقاله به این پردازیم که هزینه درمان جزء نفقه محسوب می شود.

۲. نفقه و هزینه درمان در بیماری های صعب العلاج

اثری که بیماری های صعب العلاج بر روابط زوجین می گذارد بحث نفقه و هزینه درمان است بدین معنا که آیا هزینه درمان جزء نفقه زن محسوب می شود یا نه؟ و کلاً چه چیزهایی جزء نفقه محسوب می شوند.

۱- اصل ۱۰ قانون اساسی.



الف: مبنای نفقه

در این که مبنای وجوب نفقه چیست اختلاف نظر جود دارد عده‌ای می‌گویند نفقه از موقع تمکین ثابت می‌شود صاحب شرایع می‌گوید در وجوب نفقه با عقد یا تمکین تردید است و اظهر بین فقها واجب شدن آن به خاطر تمکین است (محقق حلی: ۱۳۸۹؛ ص ۴۴۷). نفقه زوجه در عقد دائم واجب است به شرط تمکین کامل و آن این است که در تمام مکان و زمان‌ها آماده استمتاع باشد. عده‌ای قائل به این هستند که قانونگذار تمکین را شرط استحقاق زن بر نفقه نمی‌داند و نشوز را مانع آن می‌داند (کاتوزیان: ۱۳۹۰؛ ص ۱۴۱). اما عده‌ای دیگر قائل به این هستند که نفقه به مجرد عقد واجب مشروط به تمکین است (روحانی: ۱۳۸۲؛ ص ۲۰۸).

اما در شرایطی که زن در اضطرار باشد با وجود عدم تمکین حق نفقه دارد مثل موارد زیر:

زن مریض و قرن و رتق و کسی که از نزدیکی ضرر کرده نفقه دارد و هیچ اختلافی در این نیست بلکه در هر چیزی که باعث تعذر شرعی یا عقلی از استمتاع می‌شود زن نفقه دارد. عده‌ای می‌گویند چون امکان استمتاع بدون دخول وجود دارد (محقق حلی: ۱۳۸۹؛ ص ۳۴۸). اگر شوهر به یکی از امراض مقاربتی مبتلا گردد به حکم ماده ۱۱۲۷ قانون مدنی زن حق دارد از تمکین یعنی نزدیکی با او امتناع نماید، بدون اینکه این امتناع مانعی برای دریافت نفقه او باشد. اگر چه قانون امراض مقاربتی را در این ماده نام نبرده، به نظر می‌رسد بیماری‌هایی مثل ایدز هم به زن حق می‌دهد که از نزدیکی امتناع ورزد و امتناع در چنین وضعیتی مانع حق نفقه نخواهد بود. حکم این ماده مبنی بر قاعده لاضرر است. با اینکه اطاعت از شوهر و تمکین از شوهر لازم است و عدم تمکین موجب سلب حق نفقه می‌شود، اما هر گاه این امتناع به علت دفع ضرر و جلوگیری از سرایت امراض مقاربتی یا بیماری‌های دیگر و موجب ورود خسارت به زوجه گردد قاعده لاضرر به عموم و جوب اطاعت تخصیص می‌زند بدون اینکه به حق نفقه او لطمه وارد آید (مدنی: ۱۳۸۵؛ ص ۵۶).

اگر مرد عظیم‌الاله باشد و زن ضعیف باشد و از وظی امتناع کند نفقه او ساقط نمی‌شود این هم مانند رتق است (محقق حلی: ۱۳۸۹؛ ص ۳۸). اگر تمکین نکردن زن از شوهرش به خاطر این باشد که عذر شرعی دارد، یا به خاطر این باشد که عذر عقلی دارد مثل اینکه مرضی دارد که تمتع شوهر از او برای او ضرر دارد، حق نفقه او ساقط نمی‌شود (خمينی: ۱۳۸۰؛ ص ۱۱۴).

اما در غیر این موارد اضطرار زن در صورتی مستحق نفقه است که تمکین کند. لذا گفته‌اند به زوجه صغیره نفقه تعلق نمی‌گیرد به خاطر عدم امکان استمتاع. ولی ابن‌ادریس می‌گوید برای صغیره هم نفقه واجب است به خاطر عموم وجوب آن بر زوجه. یا در صورتی که در اثناء روز زن از تمکین شوهر خارج شود، مانند آنکه پس از ناهار زن قهر کند و خانه شوهر را ترک نماید نفقه آن روز تودیع شده و ملکیتش نسبت به مدت تمکین مستقر است و نسبت به زمان نشوز باید به زوج مسترد گردد (امامی: ۱۳۹۱؛ ص ۴۳۷). یا اینکه در مدت زمان فاصل میان وقوع عقد و انجام زفاف نفقه زوجه بر زوج واجب نیست. زیرا تمکین کامل صورت نگرفته است، سیره مستمره و رویه جاریه در جوامع اسلامی نیز مؤید این نظر می‌باشد (محقق داماد: ۱۳۹۰؛ ص ۲۹۸).

ب: موارد نفقه

با مطالعه کتب فقهی و حقوقی اولین چیزی که در این زمینه به چشم می‌خورد این است که نویسندگان مزبور سعی در احصاء و شمارش مصادیق نفقه دارند. معمولاً ۸ مورد را به عنوان افراد نفقه مطرح می‌کنند و بعضی کمتر و بیشتر. اما جالب این است که نوعاً ایشان قائل به ملاک و قاعده کلی برای تعیین مصادیق هستند. ولی عجیب اینجاست که آن قدر به طور جدی به مصادیق پرداخته‌اند و بعضی مصادیق را داخل در نفقه و برخی را خارج می‌دانند که گویا ملاک و معیاری در کار نیست. تعجب بیشتر اینکه نسبت به بعضی مصادیق مثل هزینه حمام و مخارج مربوط به دارو و درمان امراض سخت حساسیت خاصی نسبت به اخراج آن‌ها از شمول نفقه دارند.

ب.۱: موارد نفقه در قانون

در قانون مدنی در ماده ۱۱۰۷ مصادیق نفقه را بیان کرده است در این ماده آمده است: نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که بطور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج ی به واسطه مرض یا نقصان اعضا. چنانچه ملاحظه می‌شود ماده مذکور فقط مسکن، پوشاک، خوراک، اثاث خانه و خدمتگذار را ذکر کرده و از سایر چیزهایی که عرفاً مورد احتیاج زن است مانند هزینه دارو و درمان و آرایش و شستشو سخنی نگفته است. اگر قانون را ملاک عمل قرار دهیم باید بگوییم این گونه هزینه‌ها چنانکه گروهی از فقهای امامیه گفته‌اند جزء نفقه نیست ولیکن قبول این نظر برخلاف مصلحت و خانواده و اجتماع است و با ذوق سلیم و عرف سازگار نیست. پس می‌توان گفت آنچه در ماده ۱۱۰۷ آمده حصری نیست و هر چیزی که بر حسب متعارف مورد احتیاج زن باشد جزء نفقه است و مرد باید آن را برای زن فراهم کند (امامی، صفایی: ۱۳۸۴؛ ص ۱۳۰-۱۳۱). باید گفت ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی در مقام احصاء تمام مصادیق نفقه نیست بلکه باید با تفسیری موسع که از این ماده به عمل



می آوریم آن را با تحولات و شیوه زندگی در زمان حاضر و نیز با مبانی فقهی آن هماهنگ و سازگار نمود. اما آنچه شوهر برای زن به عنوان نفقه می دهد باید به طور متعارف باشد. یعنی آن گونه که عرف زمان و مکان آن را لازم بدانند. همچنانکه در نوع و جنس و مقدار نفقه باید رعایت وضعیت اجتماعی زن بشود، یعنی آن گونه که زنان همردیف او به اعتبار خانواده و اوصاف طبیعی و اخلاقی شبیه به او برخوردار می گردند. بعضی از فقهاء در نفقه وضعیت اجتماعی شوهر را در نظر گرفته اند و برخی وضعیت اجتماعی زن و شوهر را در نظر گرفته اند (امامی: ۱۳۹۱؛ ص ۴۳۶).

ب. ۲: نفقه در فقه

در کتب فقهی نفقه زوجه در هشت چیز دسته بندی شده است:

- ۱ و ۲) نان و خورشت به مقداری که سیر شود و از نظر کمیت و کیفیت به شئون زن و عرف و عادت بستگی داشته و متناسب با زمان و مکان می باشد.
- ۳) لباس که از نظر جنس و مقدار بستگی به عرف و عادت محل دارد.
- ۴) فراش که منظور زیرانداز و وسایل استراحت است.
- ۵) وسایل طبخ و ادوات و ابزار آشپزی متناسب و متعارف.
- ۶) وسایل تنظیف و آرایش.
- ۷) مسکن و ملکی و استیجاری و یا استیجاری که با شئون و احتیاجات زوجه از نظر محل و همچنین از نظر داشتن مرافق کافی متناسب باشد.
- ۸) خدمتکار، چنانچه زوجه از جهت شئون و شرافت خانوادگی در منزل پدرش دارای خادم بوده و یا به علت ابتلاء به بیماری نیازمند به خدمتکار باشد (محقق داماد: ۱۳۹۰؛ ص ۲۹۱).

عده ای آن را شش تا می دانند: طعام (غالب قوت بلد)، الأدم (عادت اهل بلد)، خادم، لباس، وسایل نظافت و منزل (انصاری: ۱۴۱۵؛ ص ۴۸۳). برخی دیگر نیز می گویند نفقه هر چیزی که زن به آن احتیاج دارد از طعام و... به تبع عرف آن شهر (محقق حلی: ۱۳۸۹؛ ص ۳۴۹). ولی مشهور میان علما این است که حدی برای نفقه نیست و به عرف و عادت موکل است. مشهور این است که ملاحظه متعارف حال زوجه شود (لنکرانی: ۱۳۷۷؛ ص ۴۸۷).

ج: آثار حقوقی

ج. ۱: نفقه در فسخ

پس از انحلال نکاح در موارد زیر زن در مدت عده نیز مستحق نفقه خواهد بود:

در مدت عده طلاق رجعی، در مدت عده طلاق بائن حامل، در مدت عده فسخ زن حامل، زن حامل در مدت عده وفات شوهر پس از انحلال نکاح زندگی مشترک بین زن و مرد از بین می رود و هر کدام به راه خود می رود و از نظر اصول شوهر تکلیفی در پرداختن نفقه ندارد. فقط مواردی به صورت استثناء بیان شده اند (کاتوزیان: ۱۳۹۰؛ ص ۱۴۶).

نفقه چه در طلاق و چه در فسخ ساقط می شود ولی اگر زن حامله باشد ساقط نمی شود و این نفقه برای حمل است (محقق حلی: ۱۳۸۹؛ ص ۴۸). و دلیل آن قول خداوند که می فرماید: «وان کن اولات حمل فانفقوا علیهن حتی یضعن حملهن» (طوسی: ۱۳۸۲؛ ص ۳۳۰).

ج. ۲: هزینه درمان

در هزینه درمان اختلاف نظر وجود دارد نظر دارند:

عده ای به طور کلی هزینه درمان را جزء نفقه محسوب نمی کنند حتی اگر بیماری های ساده باشد اجرت حجامت و فصد و قیمت دواء جزء نفقه نیست (طرابلسی: ۱۴۰۶؛ ص ۳۴۶). دلیل آنها این است که آنچه که به عهده شوهر می باشد نفقه است و آن ها خارج از نفقه هستند (امامی: ۱۳۹۱؛ ص ۴۳۴). غالب فقهاء این است که هزینه درمان بیماری های معمولی و متعارف جزء نفقه محسوب می شود ولی هزینه بیماری های سخت و دشوار جزء نفقه محسوب نمی شود. در مورد مخارج معالجه فقهاء هزینه مداوای امراض عادی را جزء نفقه دانسته اند ولی نسبت به مخارج درمان امراض صعب العلاج که مستلزم هزینه های سنگین است تردید نموده اند (محقق داماد: ۱۳۹۰؛ ص ۲۹۲). از مخارج زن همچنین تهیه داروهای متعارفی است که احتیاج به آنها به علت بیماریها و دردهایی است که کمتر کسی در طول سال به آن مبتلا نمی شود بلکه علی الظاهر داروها و مخارج سنگینی که پاره ای معالجات دشوار به آن احتیاج دارد و احیاناً افرادی به آنها مبتلا می شوند، جزء نفقه واجب بر شوهر نیست، مخصوصاً اگر هم معالجه احتیاج به مخارج بسیار سنگین داشته باشد (خمینی: ۱۳۸۰؛ ص ۱۱۸). و حقوقدانان کلاً هزینه درمان هر نوع بیماری را جزء نفقه می دانند هزینه معالجه در ناخوشی ها، قانون مدنی ساکت است و در فقه اختلاف نظر وجود دارد. به نظر جزء نفقه است (جعفری لنگرودی: ۱۳۸۶؛ ص ۱۷۲).

و به دلایل زیر استناد کرده اند:



۱) وقتی ملاک نفقه معاشرت به معروف با زوجه باشد معاشرت معروف اقتضاء دارد که در زمان بیماری زوجه، زوج هزینه‌های دارو و درمان وی را بپردازد.

۲) وجوب نفقه زوجه بیمار قرینه‌ای است بر لزوم حفظ حیات و سلامتی زوجه و تلاش برای سلامت و تندرستی وی توسط شوهر (فرشتیان: ۱۳۸۱؛ ص ۶۷).

حتی برخی از فقها می‌گویند: گویند به نظر میرسد که اگر در مرض بیم هلاک یا نقصان عضو و استمرار بیماری باشد و گمان قوی دارد که به معالجه از هلاک و آفت نجات می‌یابد علاج باید کرد، به عبارت دیگر هر جا علاج بیماری خود انسان واجب باشد معالجه زن بیمار نیز از نفقه او است و معاشرت به معروف نیز همین است. اما جایی که علاج اجب نباشد ان را از نفقه نمی‌توان محسوب داشت یعنی آنجا که اگر خود انسان بیمار باشد علاجش واجب نباشد (حلی: ۱۳۶۳؛ ص ۵۶۳).

د: استفتائات و رویه قضایی

آیا نفقه به محض ایجاد علقه زوجیت واجب می‌شود یا شرایط دیگری قائلید و آیا وسایل نظیف و آرایش و مخارج مداوا در بیماری‌های صعب‌العلاج و هزینه زایمان نیز جزء نفقه است یا خیر؟ به طور کلی نفقه چیست؟ نفقه به مجرد عقد واجب مشروط به تمکین است و تمام مایحتاج مرثه در معاش و زندگی مناسب با مقام او و حتی مهمانی دادن و سفرهای تابستانی رفتن و امثال این‌ها و هزینه زایمان جزء نفقه واجب است (روحانی: ۱۳۸۲؛ ص ۲۰۸). ضعف غیرقابل تحمل و بیماری مسقط تکلیف است و زن می‌تواند تمکین نکند (لنکرانی: ۱۳۷۷؛ ص ۴۶۹).

اگر مرد در روابط زناشویی افراط می‌کند که برای سلامتی زن و شوهر مضر باشد آیا زن می‌تواند تمکین نکند؟ اگر برای زن ضرر داشته باشد می‌تواند تمکین نکند بلکه برای حفظ سلامتی خود عدم تمکین لازم است. اما اگر ضرر متوجه شوهر است نمی‌تواند تمکین نکند.

اگر با زنی عقد کند که در داخل بدن مرضی داشته و ایشان نمی‌دانست و بعد از ازدواج فهمید آیا مداوای زن به عهده مرد است؟ خیر به عهده مرد نیست (روحانی: ۱۳۸۲؛ ص ۲۲۰).

مخارج معالجه زوجه به مقدار متعارف بر عهده زوج است و زاید بر آن به عهده خود زوجه است و در این مسأله فرقی بین مرضی قبل از ازدواج و بعد از آن نیست و در عین حال سزاوار است که زوج کوتاهی نکند خصوصاً اگر زن توان مالی ندارد (لنکرانی: ۱۳۷۷؛ ص ۴۷۵). ظاهر این است که هزینه دوا بر زوج لازم نیست و این داخل در نفقه نیست.

سؤال: آیا هزینه زایمان مشمول ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی است و آیا در مورد تمکین با نشوز زن موضوع مزبور تفاوت حکم پیدا می‌کند؟ نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

قانون مدنی در مورد مخارج زایمان ساکت است و لذا با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی که مقرر می‌دارد «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع فقه اسلامی حل قضیه را جستجو نماید» لذا لزوماً باید در منابع فقه اسلامی حل قضیه را جستجو نمود هر چند فقهاء در خصوص نفقات و حدود آن در کتب خود فصلی مشخص باز نموده لکن هیچ یک به تصریح در مورد هزینه زایمان سخن نگفته‌اند. در مورد مخارج درمان و معالجات که به هر حال بر زایمان نیز شمول دارد از فقهای متأخر مرحوم آقا سید ابوالحسن امامی معتقدند که مخارج درمان بیماری‌های که در طول عمر نوعاً انسان به آن مبتلا می‌شود به عهده شوهر است لکن مخارج بیماری‌های غیر معمول و صعب‌العلاج از جمله نفقات واجبه نیست. همین نظر در تحریرالوسیله مورد قبول امام قرار گرفته، لکن آیت‌الله خویی در کتاب منهاج‌الصالحین هزینه هر نوع بیماری را جزء نفقات واجبه شمرده‌اند، حتی مخارج سفری که برای علاج ضرورت دارد از جمله نفقات واجبه شمرده‌اند. تعدادی از فقهاء با استناد به آیه شریفه «علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف و عاشروهن بالمعروف» عرف را ضابطه تشخیص نفقه دانسته‌اند. این نظری است که صاحب حدائق نیز عنوان نموده است و مورد قبول ایشان است. به هر حال تردیدی نیست که مخارج زایمان از نظر عرف جزء نفقه محسوب می‌شود. بعلاوه از وجوب نفقه برای مطلقه حامل تا وضع حمل حتی در طلاق بائن که در غیر حمل نفقه به آن تعلق نمی‌گیرد مسلم است که این وجوب از باب حامل بودن زن است و مخارج وضع حمل بی‌هیچ تردید از تبعات حمل و به عهده زوج است و این الزام در این مورد بخصوص منوط به تمکین نیست زیرا وجوب نفقه از بابت حمل است. چنانچه در طلاق خلع که اصولاً به لحاظ عدم تمکین واقع می‌شود و یا در عده وفات که تمکین در آن مطرح نمی‌باشد نفقه واجب نیست. لکن در صورت حامل بودن زن نفقه باید تا وضع حمل برداشته شود. این معنی نیز به وضوح از ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی مستفاد می‌شود. رأی شماره ۷/۱۹۸۴-۶/۲۳-۱۶/۶ دیوان (بازیگر: ۱۳۷۸؛ ص ۲۲۴).

ح: مطالعه تطبیقی

تمام مذاهب اتفاق دارند که نفقه زوجه واجب است به سه چیز خوردنی، پوشیدنی و مسکن و همچنین اتفاق نظر دارند به نفقه بسیار در صورت موسر بودن زوجان و به نفقه کم در صورت معسر بودن زوجان و اگر یکی از زوجین ثروتمند و دیگری فقیر باشد در اینجا در میزان نفقه اختلاف است. مالکیه و حنابله می‌گویند اگر زوجان در فقر و ثروت متفاوت باشند حالت وسط در نظر گرفته می‌شود. شافعیه می‌گویند که در این صورت حال مرد از نظر



ثروت و فقر در نظر گرفته می‌شود و به حال زن نگاه نمی‌شود. حنفیه دو قول دارند. یکی در نظر گرفتن حال زوجان و دیگری فقط در نظر گرفتن حال زوج. اکثر فقهای امامیه می‌گویند که نفقه به قدر احتیاج زن است به نسبت عرف اهل همان شهر و باید حال زوج از نظر عسر و یسر در نظر گرفته شود (مغنیه: ۱۴۰۲؛ ص ۳۹۱-۳۹۲).

پول دارو

اگر زوجه نیاز به دارو و یا عمل جراحی داشته باشد آیا مرد ملزم به ثمن دوا و اجرت عمل است؟ با مراجعه به نصوص قرآن و احادیث چیزی از دوا و علاج در مورد نفقه ذکر نشده است و فقهاء هم نفقه را به خوردنی و پوشیدنی و مسکن محدود کرده‌اند و به مداوا متعرض نشده‌اند و حتی گفته‌اند که واجب نیست. حنفیه می‌گویند دوا و میوه بر مرد واجب نیست در حال سختی. در کتاب جواهر آمده که زوجه مستحق دوا نیست و سید ابوالحسن در کتاب الوسيله گفته است که اگر دوا از نوعی باشد که معمولاً در امراض به آن حاجت پیدا می‌شود جزء نفقه است. اما اگر در معالجات سخت و شاز باشد از نفقه نیست (مغنیه: ۱۴۰۲؛ ص ۳۹۳).

شافعیه و حنابله شوهر را ملزم به پرداخت هزینه معالجه زن نمی‌دانند. عقیده مشهور مالکی هم همین است. اما یکی از علمای مالکی می‌گوید تا آنجا که زن از مرض رهایی یابد مخارج او را باید مرد تقبل نماید (شیخ الاسلامی: بی تا؛ ص ۱۶۳).

شافعیه می‌گویند نفقه زن در صورتی واجب می‌گردد که تمکین کند و چنانچه شوهر غایب باشد آمدگی خود را در این مورد اعلام نماید (شیخ الاسلامی: بی تا؛ ص ۱۶۱).

هر گاه نفقه زن مریض غیرناشزه واجب شد آیا مرد باید مخارج علاج وی را بپردازد یا نه؟ فقهای حنفیه معتقدند که واجب نیست چون این موضوع به نفقه ارتباطی ندارد بلکه مخارج زن از دارایی زن باید تأمین شود چنانچه بی‌نیاز باشد ولی چنانچه فقیر باشد از دارایی کسانی که ملزم به ادای نفقه وی شده‌اند پرداخت می‌شود. حنفیه چنین استدلال کرده‌اند عدم وجوب پرداخت نفقه گاهی معقول است. به خصوص اگر زن و شوهر هر دو بی‌نیاز یا نیازمند باشند و یا اینکه زن غنی و مرد فقیر باشد. چون اگر هر دو و یا زن به تنهایی غنی باشد زن می‌تواند خود را معالجه کند اما اگر فقیر باشد طبیعی است که مرد نمی‌تواند هزینه معالجه زن را پرداخت کند. اما اگر زن فقیر و شوهر غنی باشد مرد مکلف به معالجه است. بعلاوه اگر شوهر ثروتمند زن مریضش را معالجه نکند پس چه کسی باید عهده‌دار مخارج او شود؟

اگر زن مریض باشد به نحوی که نتواند به خانه شوهرش منتقل شود حنفیه متفقاً زن را مستحق نفقه نمی‌دانند. چون احتباس ممکن نیست. اما اگر مرض زن عمومی باشد که مانع انتقال وی به خانه شوهر نشود در مذهب حنفی نفقه زن پس از انتقالش به خانه مرد و یا عدم ممانعت زن دایر بر انتقال به خانه شوهر با اینکه منتقل هم نشود واجب می‌گردد چون مرض عارضه‌ای است که از بین خواهد رفت. از طرفی عقد ازدواج عقد دائم است. حق دامن به وسیله عارضی از عوارض که زن هم در آن دخالتی نداشته ساقط نمی‌شود. (شیخ الاسلامی: بی تا؛ ص ۱۶۰).

حنفیه و فقهای که با آنها موافق هستند نفقه را برای زن واجب نمی‌دانند مادامی که زن برای زندگی زناشویی صلاحیت داشته باشد (شیخ الاسلامی: بی تا؛ ص ۱۶۳).

۳. نتیجه‌گیری

از آنجا که شوهر موظف به پرداخت نفقه به همسرش می‌باشد و شوهر باید به عنوان ریاست خانواده تأمین معاش زوجه خود را عهده‌دار شود. تحول شیوه زندگی هر روز نیازهای تازه‌ای به وجود می‌آورد. این نیازها را نمی‌توان در چارچوب معینی محصور کرد و ناچار باید داوری را به عهده عرف گذارد. برای مثال هزینه‌های درمان و داروی زن نیز جزء نفقه و بر عهده مرد است. چنانکه اگر زن برای زایمان یا عمل جراحی مدتی در بیمارستان باشد هزینه بیمارستان و خریدن داروهای لازم با شوهر است. زیرا عرف این‌گونه هزینه‌ها را جزء نفقه می‌داند.

آنچه از معیار و ملاک می‌توان فهمید این است که هزینه‌های معالجه بر عهده شوهر است و در تأیید آن می‌توان گفت:

(۱) ملاک نفقه معاشرت به معروف است. بنابراین اقتضای این مبنا این است که در زمان مریضی زن شوهر هزینه‌های دارو و درمان او را بپردازد.

(۲) خوراک و پوشاک و مسکن برای زوجه لازم است ولی دوا و دارو ضروری تر هستند.

(۳) یکی از موارد استخدام خادم وقتی است که زن به لحاظ مریضی به خادم احتیاج داشته باشد. از آنجا که نیاز زن به درمان بیشتر از نیاز او به خادم است پس به طریق اولی جزء نفقه محسوب می‌شود.

مستفاد از ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی نفقه بر اساس نیازمندی‌های زن تعیین می‌شود و هزینه دارو و درمان نیز جزء نیازمندی‌های زن است. و به طور کلی وقتی زوج قصد زندگی با همسر بیمار را دارد به تبع آن باید هزینه درمان بیمار را بپردازد.



منابع

۱. مدنی، سیدجلال الدین، حقوق مدنی خانواده، چاپ اول، انتشارات پایدار، تهران، زمستان ۱۳۸۵، ج ۸ و ۹.
۲. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، چاپ هفتم، موسسه نشر یلدا، تهران، ۱۳۹۰.
۳. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله امام خمینی، موسسه انتشارات دار العلم، قم، ۱۳۸۰، ج ۴.
۴. محقق حلّی، ابو القاسم نجم الدین جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مطبعه الادب، نجف الاشرف، ۱۳۸۹ه.ق، ج ۲ و ۱.
۵. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، کتابفروشی اسلامیة، چاپ بیست دوم، تهران، ۱۳۹۱، جلد ۵ و ۴.
۶. محقق داماد، سید مصطفی، تحلیل فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن، چاپ شانزدهم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۹۰.
۷. صفایی، سید حسین، امامی، اسد الله، مختصر حقوق خانواده، چاپ هشتم، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۴.
۸. روحانی، سید محمد صادق، استفتاآت، چاپ اول، انتشارات حدیث دل، تهران، ۱۳۸۲.



۹. انصاری، شیخ مرتضی، کتاب النکاح، باقری، قم، ۱۴۱۵ ه.ق.
۱۰. لنکرانی، محمد فاضل، جامع المسائل استفتائات، چاپ پنجم، انتشارات مهر، قم، ۱۳۷۷، ج ۱.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق خانواده، چاپ چهارم، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۸۶.
۱۲. طوسی، ابی جعفر، محمد بن حسن بن علی، کتاب الخلاف فی الفقه، چاپ دوم، انتشارات تابان، تهران، ۱۳۸۲ ه.ق، ج ۲.
۱۳. طرابلسی، قاضی عبد العزیز بن البراج، المهذب، موسسه نشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۶ ه.ق، ج ۲.
۱۴. فرشینیان، حسن، نفقه زوجه، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱.
۱۵. حلّی، یوسف بن علی بن مطهر، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۶۳.
۱۶. سید اسعد، شیخ الاسلامی، احوال شخصیه ازدواج و پایان آن در مذاهب چهارگانه اهل سنت، بی تا، بی جا.
۱۷. مغنیه، محمد جواد، الفقه علی مذاهب الخمسه، چاپ هفتم، قانون الثانی، قم، ۱۴۰۲ ه.ق.
۱۸. بازگیر، ید الله، قانون در آئینه آراء دیوان عالی کشور (حقوق خانواده)، چاپ اول، انتشارات فردوسی، تهران، سال ۱۳۷۸، جلد اول.